

بیاتمدار باید چمران باشد

فائزه جعفری

علوم قرآن و حدیث ۹۴

با خودش عهد کرده بود تا نیروهای دشمن در خاک ایران باشند به تهران برنگردد؛ نه مجلس می‌رفت نه شورای عالی ... اما برخی هم هستند، مجلس که می‌روند هیچ، یا مشغول چک کردن ژورنالهای خیاطی اند و یا گردنشان زیر بار سنگینی حجاب ظاهری شکسته است و یا با نام برده‌هایی از جنس موگرینی، سلفی می‌گیرند!!!

می‌گفتند: «چمران، همیشه در محاصره بود» راست می‌گفتند...

همیشه می‌رفت وسط محاصره و آن را می‌شکست و برمی‌گشت.

اما برخی هم هستند که از ترس شکست محالی، پای میز مذاکره می‌نشینند و دست دوستی می‌دهند به کسی که ظلم هنرش و کودک کشی حرفه‌اش شده است!

می‌گفتند: موقع جنگ جلوی نیروها قدم بر می‌داشت و موقع غذا خوردن عقب صف می‌ایستاد تا مطمئن شود که به همه غذا می‌رسد.

برخی‌ها هم هستند که بخور بخورهایشان به نام وطن پرستی در ایران است و پای شناسنامه کودکان که می‌رسد به قابله‌های آن ورآبی پناهنده می‌شوند!

می‌گفتند: ماهی یکبار با بچه‌ها برای جمع کردن زباله‌ها می‌رفتند. پرسیدیم این دیگر چه کاری است! ناسلامتی وزیر دفاع مملکت هستید!

می‌گفت: هم شهر تمیز می‌شود هم غرور بچه‌ها می‌ریزد...

برخی هم هستند که تنها از رکود عبور می‌کنند و غرورشان نمی‌گذارد بگویند که اشتباه کردیم... می‌گفتند: استادش اجبار کرده بود همه کراوات ببندند. حتی لباس دشمن را هم نپوشید و استاد دونمره از او کم کرد و شد هجده، بالاترین نمره کلاس!

برخی هم هستند که از برکت انقلاب و شهدا نفس می‌کشند اما جملاتی می‌گویند که دشمن را شاد می‌کند! اگر نگویند که شهدا برای پول رفته‌اند، چگونه دل بیقرار و جامانده‌ی خود را آرام کنند؟

می‌گفتند: دعا می‌کردیم حداقل شب عروسی‌اش لباس درست حسابی بپوشد اما نپوشید با همان آمد، می‌دانستیم مصطفی، مصطفی است...

اما برخی هم هستند که چیزهایی می‌گویند در حد فهم خودشان، و اینگونه است که تا تاریخ تاریخ است تاریخ است.

می‌گفتند: یک مصطفی چمران داشتیم که پدر همه‌مان بود و یک دشمن که می‌خواستیم پدرش را در بیاوریم...

اما برخی هم هستند که یک تنه تا هزار و چهارصد، پدر همه‌مان را در آورده‌اند!

ای کاش برخی‌ها حواسشان باشد که صبر ما هم حدی دارد، ای کاش بدانند که برای سیاستمداری تنها مدرک دکترای نیست. کمی ایمان و مقداری تعهد به همراه اخلاقمنداری هم باید به آن اضافه کرد.

ای کاش بدانند:

سیاستمدار باید چمران باشد...



ویژه نامه نهدی

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و صنفی آئینه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره مجوز: ۹۷۳۷ شماره ۸۸ ام، ویژه نامه نهم دی، دی ماه ۱۳۹۷



لظان نابسامانیها، از

در حکایت خسارات مالی و هزینه های فتنه ۸۸ و نابسامانیهای اقتصادی امروز کشور

رسول خوبی

مهندس مکانیک ۹۶

سال ۸۸ و فتنه ۸۸، تأثیرات زیادی بر اوضاع و

احوال کشور داشتند. تأثیراتی که در زمینه‌های مختلف هستند و هر کدام به صورت جدا، قابل بحث و گفتگو. یکی از این زمینه‌ها که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است، مسئله خسارت‌های اقتصادی فتنه است.

بدون شک فتنه، خرابی‌ها و ویرانی‌هایی را برای کشور داشته است. اما این خسارت‌ها تا چه حد بوده‌اند؟ میزان آن‌ها چقدر است؟ به چه میزان تأثیرگذار بودند؟ این سوالات و ده‌ها سوال دیگر که به ذهن می‌رسند و پرسش هر انسان حقیقت‌جویی است فقط تا حدی قابل پاسخگویی هستند. زیرا این خسارت‌ها بعضاً عواقبی دارند که نتایج آن‌ها اکنون بروز می‌کنند.

اما خسارت‌ها، یکی از این خیانت‌ها که نتایج آن‌ها تاکنون مانده و ادامه دارد، وارد آمدن لطمه‌ای جبران ناپذیر به وجهه جمهوری اسلامی است. این لطمه باعث شد تا برخی از مراودات تجاری و اقتصادی ما با دیگر کشورها تحت تأثیر قرار گرفته و به شدت کاهش یافته و بعضاً قطع شده است.

از دیگر اثرات آن می‌توان به وضع تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی و به بهانه‌های واهی از جمله حقوق بشر اشاره کرد. تاریخ تحریم‌ها نشان می‌دهد که تعداد تحریم‌های وضع شده بعد از فتنه ۸۸ اوج گرفته و گستردگی آن‌ها بیشتر شده است. برای مثال می‌توان به تحریم‌های زیر اشاره کرد:

ممنوعیت کشورهای اتحادیه اروپا از انعقاد هرگونه قرارداد با بخش نفتی ایران، تحریم بانک دبی به علت ارتباط با ایران، تحریم بانک تجارت، تحریم وزارت اطلاعات و توقیف اموال این وزارتخانه و

عدم ارائه ویزا به مسئولان آن، تحریم بانک مرکزی و جریمه شرکت‌هایی که با آن ارتباط مالی برقرار کنند، اقدامات تحریمی علیه ۱۰ شرکت کشتیرانی و صدها مورد دیگر، از تبعات تحریم‌هایی است که مینا و منشا آنها فتنه ۸۸ است.

یکی دیگر از خسارت‌ها، خسارت‌های مالی است که به شهر تهران (خصوصاً) و برخی بانک‌ها و مغازه‌ها و... وارد شده است. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خسارتی بالغ بر ۶۳ میلیارد تومان به شهر تهران، تخریب و به آتش کشیده شدن ۱۱ بانک دولتی و خصوصی و موسسات مالی و خسارت بالغ بر ۲۶.۵ میلیارد ریالی، مبلغ ۸۰.۲ میلیارد تومان به عنوان دیه ۲۲ شهید این فتنه و ۱۴ میلیارد تومان به عنوان دیه دیگر کشته‌شدگان و مجروحان آن، وارد آمدن خسارتی بیش از ۳۲۴ هزار میلیارد تومان به کشور. خسارتی که می‌شد با آن بیش از ۲ میلیون شغل ایجاد کرد.

این خسارت‌ها، تنها بخش کوچکی از میلیاردها ضرر و زیانی است که بعد از فتنه ۸۸ متحمل کشور شد. اما اکنون یک سوال در ذهن به وجود می‌آید: علت اصلی ایجاد فتنه در کشور چه بود؟ چرا سران فتنه با دیدن روزهای اول اغتشاشات تصمیم نگرفتند که خود و حامیان خود را از فتنه‌گران جدا کنند و از آن‌ها اعلام براثت کنند؟ چرا سران فتنه در بیانیه‌های خود علناً اقدام به تحریک مردم برای حضور در خیابان‌ها می‌کردند؟ آیا آن‌ها نمی‌دانستند که فتنه چه تأثیرات و خسارت‌هایی به کشور وارد می‌کند؟

به راستی که به این سوالات پاسخ در خوری داده نخواهد شد و تمام اینها مسکنی برای این درد است. به امید روزی که اقدامی درخور و مناسب یا سران فتنه، مرهمی بر آلام مردم و کشور عزیزمان باشد.

● دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگ و صنف آئینه

● شماره مجوز: ۹۷۳۷

شماره ۸۸ ام، نیمه اول دی ۱۳۹۷، ویژه نامه نه دی

● صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

● مدیر مسئول و سردبیر: محمد امین علمائی

● دبیر هیات تحریریه: سید هادی حسینی

● دبیر سرویس فرهنگ: سید حسین حسینی

● دبیر سرویس اجتماع: مرتضی ساع

● دبیر سرویس سیاسی: مهدی موحد

● ویراستاران: مجید دهقانپور، سید محمد جواد کیشبافان

● هیئت تحریریه:

آقایان سید هادی حسینی، مهدی موحد، ابولفضل قاسم زاده، سید محمد جواد کیشبافان، محمد مهدی گران، محمدرضا حیدری، رسول خوئی، مرتضی ساعی، سید حسین حسینی، حسین فکوریکتا، امیرعلی وطن دوست

خانم ها فائزه جعفری، فرناز پاک بین، یگانه افکار، محمدی، مهشاد رضائی، فاطمه رسولی

● طراحی و صفحه آرایی: لجنه طراحان حسین فکوریکتا

● با ما در ارتباط باشید

همچنین برای بیان انتقادات یا پیشنهادات و یا ارسال متن های پیشنهادی خود به ما جهت چاپ در شماره های آتی نشریه، میتوانید از راه های زیر با ما در تماس باشید: پیامک یا تماس: ۰۹۱۵۰۶۴۲۰۱۴

● آدرس کانال در شبکه های اجتماعی:

@nashreaeeneh

● آدرس کانال رسمی بسیج دانشگاه فردوسی:

@basfum

● ارتباط با ادمین:

@Aeeneh_admin

در حلقه مبارزات

نمایش جدید ضد انقلاب به اسم نه به حجاب اجباری و آزادی در انتخاب و با هدف اصیله مقابله با دین و براندازی نظام

مهدی موحد

کارشناس ارشد سازه ۹۶



در ماه های اخیر شاید زیاد به گوشه خورده باشید چهارشنبه های سفیدی که مسیح علی نژاد، طلایه دار آزادی زنان! برای احقاق حقوق از دست رفته زنان و دختران ایرانی، در خارج از مرزها خود را به آب و آتش می زند تا زنان مظلوم و بی پناه ایران حجاب اجباری از سر بردارند. چه انسان دلسوزی! در این زمانه کم تر کسی مثل او پیدا می شود.

با نگاهی اجمالی به پست های اینستاگرامی این شخص می توان به نکات جالبی رسید. علی نژاد در صفحه شخصی اینستاگرام خود پست هایی را منتشر می کند که بیشتر رنگ و بوی افزایش نارضایتی عمومی دارند. این را می توان از هشتگ هایی که زیر پست هایش می نویسد به وضوح فهمید. دوربین ما اسلحه ما با تلقین فضای جنگ و اغتشاش در بین مردم به ایجاد التهاب در جامعه کمک می کند و به نوعی با متشنج کردن فضای جامعه قصد به جان هم انداختن هموطنان عزیزمان را دارد. اخیرا در صفحه خود مبارزه با دین را به صورت علنی

کوتاه از متن

واژه آزادی تنها بازیچه دست آن ها برای رسیدن به خواسته های شومشان است. افرادی ندای آزادی سر می دهند که تحمل شنیدن صدای مخالف خود را ندارند. هدف آن ها حذف دین از زندگی اجتماعی و به انزوا کشاندن آن است که بی تردید این آرزو را به گور خواهند برد.

آغاز کرده است، به عنوان مثال با انتشار پستی برگزاری نماز جماعت در مکان های عمومی را محکوم کرده است. مگر نه اینکه آن ها طلایه دار آزادی هستند. واژه آزادی تنها بازیچه دست آن ها برای رسیدن به خواسته های شومشان است. افرادی ندای آزادی سر می دهند که تحمل شنیدن صدای مخالف خود را ندارند. هدف آن ها حذف دین از زندگی اجتماعی و به انزوا کشاندن آن است که بی تردید این آرزو را به گور خواهند برد. تنها با خواندن نظرات زیر پست های علی نژاد می توان به ذات واقعی طرفداران این جریان پی برد. کافیسست فقط یک نفر آن ها را مورد نقد قرار دهد آن چنان او و خانواده اش را مورد لطف قرار می دهند که گویی دشمنی خونی با او دارند. آیا واقعا زنده باد مخالف من؟! آیا مفهوم آزادی این است؟

در پست های مسیح این نکته به وضوح به چشم می خورد که کسانی که دوربین خود را اسلحه خود کرده اند و با این که خود فیلمبردار هستند اما رفتاری بسیار وحشیانه و از روی خشم و نفرت از آن ها دیده می شود. حال

آن که بسیار تلاش می کنند که قضیه را برعکس جلوه دهند و چهره ای انسان دوستانه و طرفدار صلح از خود به نمایش بگذارند. حال شما فکر کنید قدرت در دست این افراد باشد! با وجود این، افرادی بدون تامل و توجه به محتوای کلیپ های تقطیع شده فقط اقدام به ناسزا گویی و فحش پراکنی می کنند و حق را نمی بینند. باید به طرفداران این جریان گفت راهی که شما در ابتدای آن قرار دارید، غرب به انتهای آن رسیده است و روز به روز در این منجلاب خود ساخته فروتر می روند، آزادی بی حد و مرز در مسائل جنسی انسان را حریص ترمی کند و همانند جاده ای است که انتها ندارد. آمار منتشر شده غرب در این زمینه را مطالعه کرده اید یا تمام منابع اطلاعاتی شما در رسانه های ضد انقلاب خلاصه می شود؟ مگر آزادی جنسی ندارند؟ پس چرا همیشه در صدر آزارهای جنسی و تجاوز حتی به کودکان قرار دارند؟ حتما آماری که خودشان حتی با اغماض هم منتشر می کنند دروغ است؟ تنوع طلبی های جنسی ای که انسان شرمش می آید به زبان آورد به شدت در حال گسترش است و این تنوع طلبی ها پایانی ندارد.

پس چرا این حقایق را نمی بینند؟

به راستی که آن ها مصداق بارز آیه شریفه ی « إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا » می باشند.

اللهم جعل عواقب امورنا خيرا



روز شنبت گرامی باد

از طرف دارندگان اسامی عجیب و غریب

فرناز پاک‌بین

مهندسی هوا فضا ۹۶

آقای اهریمن هزاروسی... بار دوم که نامم را صدا می‌زند، با تردید کمتر و خنده‌ای بیشتر مواجه می‌شوم. همه سعی دارند خنده‌شان را جمع کنند اما پوزخندها، نتیجه‌ی معکوسی را نشان می‌دهد. امروز قرار است اولین پسر به دنیا بیاید.

برای باره‌زارم ننه نیمکت شال‌گردن را از دست پنبه، نوه‌ی بزرگش، می‌کشد.

این بار رو به عمه شقیقه می‌گوید: «اولین چیزی که نشون باباش می‌دهم این شاله. دیروز تلویزیون، راجع به «مارشال» می‌گفت خیلی چیز مهمیه. از «مار» ش که آدم قهرش می‌آید ولی «شال» ش رو بذاریم رو اسم بچه.»

سرش را می‌چرخاند، به مادرزنگم که نفسش را در سینه حبس کرده می‌رسد. دوباره به خاطر یادآوری خواب پدرش و رفت و آمدها کم شده. سیزده بار قهر و آشتی کرده‌اند و این درحالیست که نامبردگان تا به حال فقط سیزده بار همدیگر را ملاقات کرده‌اند.

شروع می‌کند: «پدر حاج آقا شب به دنیا اومدن حاجی خواب می‌بیند باید اسم بچه‌های خانواده را بذاره اولین

چیزی که بعد از دیدن نوزاد به چشم پدرشون می‌خوره.» مادرزنگم هر لحظه بیشتر نفسش را حبس می‌کند. علاوه بر اینکه دعا می‌کنم گرگ زودتر برسد، اسم‌های به‌روز پیشنهادهای مادرزنگم را، با «شال» مقایسه می‌کنم. در مسابقه‌ی بی‌مسمایی با اختلاف یک گل، «شال» برنده می‌شود. البته در پی این باخت چیزی از بی‌ارزشی برخی اسم‌های جدید کم نمی‌شود.

آسوده می‌شوم. اسم بچه در هر صورت مسخره است. متأسفانه سریعا یادم می‌آید که پدر آن بچه هستم و مجبورم نسبت به اسمش حساس باشم. بای‌بوی حوصلگی در حالی که تکیه می‌دهم کمی دلشوره به خودم تزریق می‌کنم.

«الان هم که آزادی رو ازمون گرفتند و نمی‌دارند اسم بچه‌هامون رو خودمان انتخاب کنیم ولی مانمی داریم حرف بزرگتر از زمین بمون، همیشه تاکیدمون رو اسماییه که خودمون انتخاب کردیم. مبارزه می‌کنیم مخصوصا چهارشنبه‌ها.»

با دیدن گرگ که در انتهای راهرو ایستاده از جایم بلند می‌شوم. از همان جا شروع می‌کند: «گفتم همه شیرینی آوردند، من برایلدا هندونه بیارم. فحش دادن من روی بچه‌ام تاثیر دارد، پس

فقط می‌گویم: پسره. کتاب را باز می‌کند: «سرو چُمان...» می‌گویم: «خوبه خوندیش.» می‌گوید: «جون داداش تو راه به نگاه‌های انداختم.» پرستار نوزادی را روی دست گرفته و نام مادرش را می‌گوید. حتی اگر نام مادرش را هم نشنیده بودم از زشتیش پیدا بود بچه‌ی من نیست. خم می‌شوم تا چیزی که از جیبم افتاد را بردارم که پرستار نام مادر را اصلاح می‌کند. پنبه خانم نام بچه را فریاد می‌زند و من فقط به این فکر می‌کنم: مگر بانک مرکزی هنوز اسکناس صدتومانی می‌زند؟



مطالبه‌گر باشیم!!

احق‌کار + پسر

سید هادی حسینی

مهندسی شیمی ۹۶

طرف است. در مسئله مطالبه به حق باید چند نکته را توجه داشته باشیم

۱. مسئول مربوطه را بشناسید (در موارد زیادی دیده شده که مسئول اول و آخر مشکلات را مقام معظم رهبری می‌دانند باید به این افراد گفت، که به اندازه ۸۰ میلیون ایرانی، ما ۸۰ میلیون مسئله داریم آیا مقصر همه آن‌ها رهبر است، پس این همه تشکیلات و ساختار دولت‌ها و حقوق بگیرها چه کاره هستند)

۲. حتما با مسئول مربوطه صحبت کنید و یا مکاتبه داشته باشید و تمام مراحل را ضبط و ثبت کنید.

۳. با یک فرد آگاه در مسائل حقوقی صحبت کنید و حتی می‌توانید برای حل مشکل جمعی خود یک وکیل را نماینده احقاق حق خود قرار دهید.

۴. در صورت جواب نگرستن، از نهادهای مردمی یا نظارتی مثل بسیج دانشجویان یا نهاد رهبری، کمیته رسیدگی به شکایات، قوه قضائیه و... کمک بگیرید. ۵. از رسانه‌ها برای رساندن حرف خود با بیان واقعیت و نه بزرگنمایی یا دروغ پردازی استفاده کنید.

۶. اگر جواب نگرستن با اجتماعی هماهنگ شده با نیروی انتظامی و یا نهادهای مردمی با شعارهای مسالمت‌آمیز حق خود را خواستار شوید.

حتما تا حالا شده حق قطعی خودتان را از کسی مطالبه کرده باشید. آیا مطالبه شما جواب داده و شما به حق خود رسیده‌اید؟ وقتی که دنبال حقتان می‌روید و در مراحل اداری می‌افتید کلافه می‌شوید و در نهایت به خاطر روند طولانی مطالبه یا پاس‌کاری (همان سر دواندن خودمان) از خیرش گذشتید و کسی هم پاسخگوی شما نبوده ولی اگر شما یکم جسور باشید و بتوانید چند نفر را همراه کنید و به جایی پشتتان گرم باشد سریع‌تر کارتان پیش می‌رود. گاهی در فضای مجازی شاهد اعتراضات کارگران، کارمندان و مردم فقیر بوده‌اید. آیا این تجمعات از اول با این همه حجم از سروصدا و اغتشاش همراه بودند؟ آیا این تجمعات اغتشاش است یا مطالبه‌گری؟ باید بگویم که همه اینها از روز اول مسالمت‌آمیز مطالبه‌گری می‌کردند ولی هیچکس توجه نکرده است. یک فرهنگ اشتباه بین مسئولین و مردم که جا افتاده، این است که داد و بیداد و شیشه شکستن و تیتربی بی‌سی شدن شما را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند. وقتی که باز بچه دست رسانه‌ها شدید و رسانه‌های داخلی کماکان بی‌توجه‌اند و برای مثال تجمع مطالبه‌گرانه و مسالمت‌آمیز بازنشستگان یا مال باختگان جلوی مجلس که نتیجه‌ی آن نداشت، همین که یکم سرو صدا شد متوجه این افراد شدند. مشکل از کجاست؟ آیا مشکل از مسئولین است یا مطالبه‌گران؟ باید بگویم که مشکل از هر دو

از او

معرفی مجموعه چهارجلدی «از او»

یگانه افکار

مهندسی شیمی ۹۶

«از او» نگاه ما اهل زمین است به آن مسافر آسمان!

همانکه مدتی با ما زندگی کرده... مسافری که اگر دیرتر بجنبیم؛ غبار فراموشی یاد و خاطرش را از ذهن مان پاک میکند و دیگر حتی به گرد راهش هم نمی‌رسیم!..

«از او» یک مجموعه ۴ جلدی حاوی خاطرات شیرین مشهد است. کتاب سوم این مجموعه با عنوان «ناخدا رحمت» خاطرات پدر شهید شکوریان فرد را بازگو میکند. پدر شهید محمد جواد شکوریان فرد از افرادی بود که سرمایه داران را برای کمک به جبهه تشویق میکرد. این کتاب به قلم شیوا و روان نرجس شکوریان فرد در سال ۹۷ تألیف شده است.

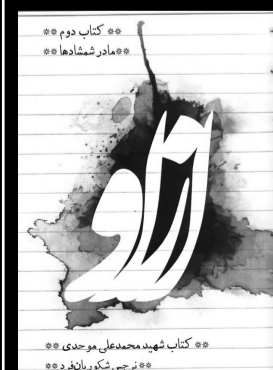
در قسمتی از این کتاب میخوانیم:

در خیابان‌ها و بنا در کویت تانک‌ها و توپ‌های زیادی بود که برای کمک به رژیم صدام و حزب بعث رژه می‌رفت.

نگاهی به داستان خالی اش کرد و کفش‌های فرسوده اش

همه‌ی عمرش قصه‌ی غربت و تنهایی اهل بیت را شنیده بود؛ اما حالا داشت با تمام وجودش حس میکرد.

بغضش را فرو خورد و دستش را مشت کرد و راه افتاد باید کاری میکرد!



کتاب شهید محمدعلی موحدی
نرجس شکوریان فرد



بازگشتی به یتیم‌خانه ایران

ایران گسترش می‌یابد و به دنبال آن شیوع بیماری‌هایی چون وبا و طاعون، جان حدود ۴۵ درصد از جمعیت ایران را می‌گیرد. در آن زمان ایران حدود ۲۰ بیست میلیون نفر جمعیت داشته است و در پایان این قحطی و جنگ غذا که در شهرهای مختلف در جریان بود، حدود ۹ میلیون نفر کشته شدند.»



قهرمانان فیلم، مردمی هستند که در آن زمان نان را با خاک آره می‌خوردند.»
 حال چرا در تاریخ چیزی درباره قحطی سال‌های ۱۲۹۵-۱۲۹۷ نیست؟
 به دلیل سیطره جریان‌های غربگرا بر تاریخ‌نگاری در ایران، این بخش از تاریخ معاصر اغلب به عمد توسط شبه‌روشنفکران و غریبه‌ها که بیشتر تحت هدایت اتاق‌های فکر انگلیس بود، سانسور می‌شد.
 جعفر دهقان بازیگر فیلم سینمایی «یتیم‌خانه ایران» در خصوص این فیلم با ابراز تاسف از اینکه تا به حال در کارها و فیلم‌های تاریخی به این موضوع و این برهه از زمان در ایران نپرداخته‌ایم، می‌گوید: به نوعی فراموش کرده بودیم که روزی در ایران قحطی وجود داشته و چه بلاهایی در اثر آن قحطی بر سر مردم آمده است؛ این گوشه از تاریخ جامانده بود که آقای طالبی، با مطالعه و تحقیقاتی که پیرامون این برهه از تاریخ کشور انجام داد، آن را به زیبایی به تصویر کشیده است.
 به نقل از یکی از منقدان نماوا: «یتیم‌خانه ایران» روایت قحطی و گرسنگی است که در این سال‌ها و در پی قشون‌کشی دول روس و بریتانیا و سیاست‌های استبدادی آن‌ها در جهت تسلیم کردن ایران به وجود می‌آید. قحطی که در سراسر

امیرعلی وطن دوست مهندسی مواد ۹۷
 ابوالقاسم طالبی پس از ساخت فیلم جنجالی «قلاده‌های طلا» که روایتی از فتنه ۸۸ بود در اوایل سال ۹۲ کلید ساخت فیلمی با عنوان «یتیم‌خانه ایران» را زد. فیلمی که روایت گراشغالگری‌های انگلیس در ایران در بین سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۷ بود. این فیلم پاییز پارسال به اکران درآمد.
 «یتیم‌خانه ایران» در سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۰ شمسی و هم‌زمان با شورش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان و جنگ جهانی اول می‌گذرد. سال‌هایی که یکی از نکبت‌بارترین دوران تاریخ ایران است. دورانی که شاهان ترسو و بی‌تدبیر قاجاری بر تخت سلطنت نشسته بودند و نه چیزی از مملکت‌داری می‌دانستند و نه از سیاست جهانی و دوروبرشان هم پر بود از چاپلوسان و متملقانی که نه درد مردم داشتند و نه دغدغه سرزمینی رو به افول. در همین دوران است که جنگ جهانی اول شروع می‌شود و علی‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ، روسیه از شمال و انگلستان از جنوب قوای خود را در خاک ایران تخلیه می‌کنند و عملاً خاک یک کشور بی‌طرف را تبدیل به معبر و گذرگاه خود می‌کنند.
 ابوالقاسم طالبی درباره زمینه داستانی اثرش نظر جالبی دارد. وی می‌گوید: «این فیلم قصه مردم است. مردم کوچه و بازار. نه از شاه خبری در آن هست و نه دربار.

ارشيو پروژ نشریات دان

اطلاعات کامل در خصوص ناظر بر نشریات

استاد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir • در سایت سند

نحوه ثبت آرشيو نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه درخواست مجوز نشریه

آرشيو کامل نشریات دانشجویی

اخبار و اعلان های خانه نشریات

شجوی دانشگاه فروسی مشهد